

## بررسی تطبیقی آراء تربیتی جاحظ و قابسی

سیده فاطمه ابراهیمی<sup>۱</sup>، طاهره بخشی پور<sup>۲</sup> و آمنه محمودی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این مقاله، بررسی تطبیقی آراء تربیتی جاحظ و قابسی می‌باشد. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیلی - استنباطی انجام شده و با استفاده از منابع موجود و در دسترس به تحلیل و استنباط آراء تربیتی جاحظ و قابسی پرداخته‌است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که اصول تربیتی استنباط شده از اندیشه‌های جاحظ و قابسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. از جمله این شباهت‌ها، می‌توان به مواردی همچون اصول و مبانی دین در تربیت و روش تنبیه و تشویق اشاره کرد. همچنین، تفاوت‌ها به این قرار است که جاحظ به عوامل محیطی، موقعیت صنفی و دوست و همنشین، کشف استعداد و علاقه، آموزش عمومی و اختصاصی توجه داشته، اما تربیت از دیدگاه قابسی کاملاً دینی است و به آموزش همگانی، اصل تدریج در یادگیری، عدم تبعیض و رابطه‌ی عاطفی معلم با متعلم توجه داشته‌است.

کلیدواژه‌ها: آراء تربیتی، جاحظ، قابسی

### مقدمه

مقصود از آراء تربیتی، اندیشه‌ها یا منظومه‌هایی از افکار و عقایدی است که فلسفه آموزش و پرورش دوره یا جامعه معینی را تشکیل می‌دهد و در نهادها یا مؤسسات گاه زیربنای اصول و روش‌های آموزش و پرورش موجود و گاه در برابر و حتی در تضاد با آن است و درضمن انتقاد از آن، به بهبود آن کمک می‌کند. در حالی که نهادهای آموزش بیشتر به ساختارهای مادی و هنجاری جامعه‌ی مربوط هستند و مطالعه‌ی آن‌ها نوعی جامعه شناسی یا مطالعه‌ی جامعه شناسی تاریخ آموزش و پرورش است. بررسی سیر آراء یا اندیشه‌های تربیتی تاریخ آراء و افکار و به نحو اخص با تاریخ فلسفه در ارتباط است و چنانکه یکی از نویسندگان یادآور شده است «منبع آن اساساً دستاوردهای عقلی و اخلاقی اجمالی هر قوم و یا ملت» یا ملت‌ها و اقوام ساکن یک منطقه‌ی جهان است. (کاردان، ۱۳۸۱)

اندیشمندان مسلمان از فیلسوفان گرفته تا دیگران در پرتو تعالیم انسان‌ساز اسلام به موضوع انسان و کمال و سعادت او و راه‌های وصول به کمال، بسیار پرداخته‌اند. و نام‌هایی فکری را برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به انسان و تربیت

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد آموزش و پرورش تطبیقی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران، آموزگار ابتدایی شهر کرج (نویسنده‌ی مسئول)

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد آموزش ابتدایی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران

<sup>۳</sup> - آموزگار و کارشناس روانشناسی

او بناگذارده‌اند. دربنای این نظام‌ها، علاوه بر بهره‌ای که از آموزه‌های دینی برده‌اند، از حاصل اندیشه‌های فیلسوفان نیز سود جست‌ه‌اند. (آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد اول)

باتوجه به عنوان پژوهش لازم است این موضوع را از منظر دو دانشمند اسلامی جاحظ و قابسی، بررسی کنیم.

اصول تعلیم و تربیت مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه‌ی اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعالیم دین و تحقیقات روانشناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و نظرات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است. (شریعتمداری، ۱۳۸۶)

مطالعه‌ی اندیشه‌های فلسفی مجموعه‌ای از علوم منظم و متوالی مهیا می‌کند که یک شخص با استفاده از آن‌ها می‌تواند آنچه را تاکنون در تفکرات تربیتی اتفاق افتاده درک کند. مطالعه‌ی اندیشه‌های فلسفی نشان می‌دهد که چگونه مقصدها، مقصودها و فعالیت‌ها شکل گرفته و چگونه آنچه را اغلب به عنوان کارهای ابتدایی در تعلیم و تربیت می‌شناسیم در حقیقت تکرار اندیشه‌هایی است که به قرن‌های گذشته تعلق دارد. همچنین این مطالعه به فرد کمک می‌کند تا سنت‌های تربیتی را ارزیابی و درک کند و مبنایی برای ارزیابی هوشمندانه و دقیق‌تر به دست می‌دهد، بلکه مبنایی در اختیار ما می‌گذارد تا اندیشه‌هایی نو براساس آن تدوین شود و دیدگاهی پیدا کنیم که ما را قادر سازد اهداف و اعمال جدید را مورد ارزیابی قرار دهیم. (هوارد اوزمن، سموئل ام کراور).

هدف اصلی از تبیین آرای تربیتی متفکران مسلمان، (در این پژوهش جاحظ و قابسی) این است که نسل امروز با هویت فرهنگی اسلامی خود بهتر آشنا شود و محققان تعلیم و تربیت بتوانند نظریات آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند و با بررسی و نقد آن‌ها به تبیین بهتری از نظام تعلیم و تربیت اسلامی بپردازند.

### آراء تربیتی از دیدگاه جاحظ

جاحظ می‌گوید قواعدی که بر فطرت انسانی استوار است، با مبانی دینی تناقض ندارد. اساساً سنن و اصول حاکم بر دنیا، با مبانی و اصولی که دین بر آن پایه‌گذاری شده تعارض ندارد، بلکه باید گفت: اصول و قواعد تدبیر و اراده در دین و دنیا یکی است. به نظر می‌رسد با مناسبت به همسویی مبانی دین با اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه جاحظ، اصول و روش‌ها و توصیه‌هایی که در دین جهت تعلیم و تربیت مطرح گردیده، می‌تواند در دنیای امروز نیز مورد توجه قرار گیرد، و باعث رشد و تعالی انسان‌ها شود. این اصول به جامعه یا گروه خاصی از انسان‌ها اختصاص ندارد و می‌تواند بر تمامی جوامع و ملل حاکم گردد.

عوامل مؤثر در شخصیت و تربیت از دیدگاه جاحظ عبارتند از:

۱. عوامل محیطی: جاحظ در موارد متعددی به تأثیر عوامل محیطی از قبیل موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی که شخص در آن رشد یافته اشاره می‌کند و در آثار خود به برخی از عوامل محیطی مؤثر در تکوین شخصیت و تربیت فرد اشاره می‌کند. این عوامل را می‌توان به صورت زیر ذکر کرد:

الف) موقعیت صنفی و وضعیت‌ها: به نظر جاحظ، شغلی که شخصی به آن می‌پردازد و گروه و صنفی که شخص عنصر آن شمرده می‌شود در تشکیل شخصیت و ویژگی‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی او مؤثر است. گذشته از تأثیر شغل و صنف به فرد به عقیده جاحظ، روابطی که در بین افراد در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون وجود دارد وضعیت‌هایی که افراد در آن قرار می‌گیرند، به دلیل شباهتی که به یکدیگر دارد در اعصار و احصار مختلف، نتایج و پیامدهای یکسانی به دنبال می‌آورد.

ب) سرزمین: یکی از اموری که می‌تواند در شخصیت و تربیت انسان مؤثر افتد، سرزمینی است که فرد در آن زندگی می‌کند به تجربه ثابت شده که محل زندگی می‌تواند در عقل و هوش، عواطف و احساسات و قوت بدنی فرد تأثیر بگذارد.

ج) دوست و همنشین: نقش مؤثر دوست و همنشین در شکل‌گیری شخصیت انسان قابل انکار نیست، جاحظ تا آن‌جا به این نظر پایبند است که به اعتقاد وی، آدمی به اوصاف دوست و همنشین خود منسوب است.

۲. درگیری با خیر و شر: به اعتقاد جاحظ خداوند در دنیا خیر و شر را باهم قرار داده، زیرا اگر دنیا تنها شر باشد تمامی خلق از میان خواهند رفت، و اگر صرفاً خیر باشد، رنج و تلاش و انگیزه‌های تفکر به وجود نخواهد آمد. اگر دنیا تنها از خوبی یا بدی مملو بود، دیگر اختیاری برای انسان باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه زمینه‌ای برای انتخاب و تشخیص پدید نمی‌آمد، و تعلیم و تعلم و دفع ضرر و جلب منفعت تحقق نمی‌یافت، و درنهایت، انگیزه‌ای برای تلاش و حرکت وجود نداشت؛ با نبود تلاش، ثوابی و عقابی نیز نبود و ثمره‌ی اعمال و عقاید نیک بر کسی آشکار نمی‌گردید.

### اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه جاحظ

#### ۱. کشف استعدادها و رعایت آن

به نظر می‌رسد جاحظ به خوبی استعداد و علاقه را از یکدیگر تفکیک نکرده‌است. به عقیده‌ی وی، افراد به طور طبیعی به رشته یا رشته‌هایی از علوم و حرفه‌ها علاقه مند هستند، که در آن استعداد و آمادگی دارند.

جاحظ صریحاً توصیه نکرده که افراد استعدادها و زمینه‌های آمادگی خویش را با آزمایش‌های گوناگون تشخیص دهند؛ ولی این مطلب را مورد توجه قرار داده که هر کس در زمینه‌ای موفق خواهد شد که استعداد آن‌را داشته باشد؛ همچنین

هرکس در جهت علم و فنی که بیشتر به آن علاقه دارد گام بردارد، سریع تر به نتیجه میرسد. لازمه‌ی این نکته آن است، که نظام آموزشی به سویی گام بردارد که استعدادها را شناسایی و شکوفا کند.

#### ۲. طراحی دوره‌ی عمومی

آموزش عمومی در رشته‌های مختلف علوم، یکی از اصول تربیتی است که جاحظ به آن توصیه می‌کند. به عقیده وی، دانشجو باید در آغاز، مسائل مهم و بنیادی دانش‌هایی را که کاربرد بیشتری دارد فرا گیرد. این امر موجب می‌شود که دانشجو به مسائل و مشکلات خود در آینده، با نگرش جامع بنگرد و در حل و تفسیر آن به تک بعدی نگری و تنگ نظری دچار نگردد. چنانچه فرد از ابتدا تنها در دانش یا حرفه‌ی معینی مطالعه کند، و از علوم و معارف دیگر کاملاً بیگانه باشد، همه‌ی مسائل را از دید رشته‌ای که آموخته و شغلی که برگزیده تفسیر می‌کند؛ و در هر زمینه از او سؤال شود، با طرز تفکری که از طریق رشته تخصصی خویش پیدا کرده پاسخ می‌دهد؛ در نتیجه فهم و پاسخ او با واقع مطابق نخواهد بود.

#### ۳. آموزش تخصصی

هرچند گذراندن دوره‌ای عمومی برای دانشجو لازم است، ولی مسلم است که آدمی نمی‌تواند تمامی رشته‌های علوم و فنون را بیاموزد و در تمامی آن‌ها مهارت پیدا کند.

جاحظ در این باره می‌گوید:

متعلم باید پس از طی دوره‌ی عمومی، یکی از رشته‌ها و صناعات را با توجه به استعداد، علاقه و امکانات خویش برگزیند و در آن رشته به صورت تفصیلی و عمیق به مطالعه و آموزش بپردازد، تا به درجه‌ای از تخصص و مهارت نایل آید.

#### ۴. تشویق و تنبیه

الف) اهمیت تشویق و تنبیه: جاحظ در آثار خود کمتر به بیان روش‌های تربیتی پرداخته، ولی برای تشویق و تنبیه، نقش برجسته‌ای در نظر گرفته‌است. به عقیده‌ی وی تلاش فرد در آموختن مطالب، باید مورد قدردانی و تشویق قرار گیرد، و سهل انگاری و سستی او با نکوهش و تنبیه پاسخ داده‌شود. این روش تربیتی در رشد و تعالی آموزش و پرورش تأثیر شایانی دارد.

به باور جاحظ، نقش تشویق و تنبیه، تنها در نظام تعلیم و تربیت خلاصه نمی‌شود، بلکه اهمیت آن تا آنجاست که هیچ سیاست و تدبیری - چه در جامعه‌ای کوچک یا در کشوری پهناور - بدون این دو عنصر، کارساز نخواهد بود، و اصولاً نظام آفرینش بر مبنای «تشویق» و «تنبیه» استوار است.



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

ب) اصول و نکات «تشویق و تنبیه»: روش تربیتی تشویق و تنبیه، زمانی نتایج ارزنده خود را به دنبال دارد، که در اجرای آن، اصول و نکاتی رعایت شود، در غیر این صورت نه تنها نقش تربیتی خود را ایفا نمی‌کند، بلکه گاهی پیامدها و آثاری سوء و منفی در پی خواهد داشت. اصول و نکات تشویق و تنبیه به عقیده‌ی جاحظ به قرار زیر است:

۱. تشویق و تنبیه باید در موضع مناسب و شایسته خود به کار گرفته شود. باید دقت کرد که آیا رفتاری که از شخص سرزده، سزاوار پاداش یا تنبیه است یا خیر. بدون جهت فرد مورد تشویق و نکوهش قرار نگیرد، و بدون دلیل از او تشکر و قدردانی نشود یا مورد تشویق و نکوهش قرار نگیرد. اگر مورد مناسب هر کدام به خوبی تشخیص داده نشود و از هر کدام در جای مناسب خود استفاده نگردد، تشویق و تنبیه نه تنها به رشد تعلیم و تربیت نمی‌انجامد، بلکه آثاری منفی برجای خواهد گذاشت.

۲. تنبیه و تشویق، از جهت کمیت و کیفیت باید با رفتار بهنجار یا نابهنجار شخص منطبق باشد. اگر رفتار فرد مستلزم تشویق بود، نباید در تشویق از حد مناسب آن تجاوز کرد، و بیش از اندازه‌ی فرد مورد توجه و عنایت قرار گیرد و عمل او بزرگ جلوه داده شود؛ و برعکس نباید به سبب رفتاری نابهنجار، تنبیهی بیش از حد متناسب آن انجام گیرد؛ زیرا افراط و تفریط و خروج از حد اعتدال در تشویق و تنبیه، آثاری ناگوار به دنبال دارد.

۳. تشویق و تنبیه به سان دو بال یک پرنده هستند؛ چنانکه پرنده نمی‌تواند تنها با یک بال پرواز کند و اوج بگیرد، نظام تعلیم و تربیتی هم که تنها تشویق را سرلوحه‌ی کار خویش قرار دهد، یا تنها از تنبیه و مجازات یاری جوید، راه به سر منزل مقصود نخواهد برد.

۴. تنبیه و مجازات در حقیقت خیر و نیکی است، نه شر و بدی؛ زیرا نتیجه آن رشد تعلیم و تربیت است و اولین کسی که از آن سود می‌برد، خود شخص است. بی‌جهت نیست گفته‌اند؛ بعضی از کشتنی‌ها؛ (قصاص و مجازات جانی)، به منزله‌ی زنده کردن جمیع مردم است، و در مواقعی امتناع از بخشش، خود در واقع اعطا و بخشش است.

### آراء تربیتی از دیدگاه قابسی

از دیدگاه قابسی، هدف تعلیم و تربیت کاملاً دینی است. او فصل اول کتاب خویش را به بحث ایمان، اسلام، احسان، استقامت و اصلاح اختصاص داده است. وی کتاب خود را با این مباحث مهم دینی و اخلاقی آغاز کرده و با بحث از قرائت قرآن و بهترین قاریان، آن را به پایان می‌برد. در طول مباحث بر آموزش مسائل اعتقادی، عبادت‌ها، احکام دینی، قرائت و حفظ قرآن، تربیت اخلاقی و... تکیه می‌کند و از خداوند، هدایت به صراط انبیا، صدیقان، شهدا و صالحان را طلب می‌کند.



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

از همه‌ی این‌ها به دست می‌آید که وی شناخت دین و عمل براساس آن را مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت می‌داند و درحقیقت آن‌را هدف نهایی تعلیم و تربیت می‌شناسد و وظیفه‌ی معلم و اولیای دانش‌آموزان را تلاش در تحقق آن معرفی می‌کند.

قابسی کتاب خود را با حمد و ثنای الهی و با ذکر آیاتی چند از قرآن کریم آغاز می‌کند. در این آیات، از هدف نزول قرآن و بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص) سخن به میان آمده و از هدایت به صراط مستقیم، تنزیه از زشتی‌ها، تزکیه و تهذیب نفس، تثبیت ایمان، تعلیم کتاب و حکمت، پیروی از رسول خدا(ص) و... یاد شده‌است.

قابسی با ذکر این آیات می‌خواهد بگوید: هدف تعلیم و تربیت، همان هدف نزول قرآن به عنوان کتاب تربیت دینی، و درواقع همان هدف رسول خدا(ص) است. به این ترتیب و با توجه به متن رساله، آنچه وی به‌عنوان تعلیم و تربیت مطرح می‌کند، برداشت‌هایی است که او از نظام تعلیم و تربیت در قرآن و سنت دارد.

قابسی این هدف دینی را در دو بُعد اعتقادی و رفتاری(عملی) و با عناوین ایمان، اسلام، استقامت، احسان و صلاح تبیین می‌کند.

وی در بُعد اعتقادی، هدف تعلیم و تربیت را ایمان می‌داند و متذکر می‌شود که براساس حدیث نبوی، ایمان، تصدیق و باور قلبی است که شخص به خدا، ملائکه، انبیا و آخرت پیدا می‌کند و آن را به زبان نیز اقرار می‌کند. این اولین درجه‌ی ایمان و نخستین مرتبه از مراتب اهداف تربیتی است و انسان با پیاده کردن آن در عمل، می‌تواند به مراتب بعدی نایل گردد. مراتب بعدی، درواقع جنبه عملی هدف تعلیم و تربیت از نظر قابسی است.

قابسی برای تبیین جنبه عملی هدف تعلیم و تربیت، به ترتیب از واژه‌های، اسلام، احسان، استقامت و صلاح، یاد می‌کند. وی ابتدا با ذکر حدیثی از پیامبر(ص) فرق بین ایمان و اسلام را روشن می‌کند و می‌گوید: اسلام عمل جوارحی(عملی) که با اعضا و جوارح صورت می‌گیرد و قابل مشاهده است) و بعد از ایمان است. تسلیم خدا بودن در مقام عمل که به صورت عدم شرک عملی به خدا، اقامه نماز، ادای زکات واجب، روزه ماه رمضان و... جلوه می‌کند، اسلام است. سپس متذکر می‌شود که در این حدیث نبوی، گرچه واژه‌ی ایمان در بعد اعتقادی و اقرار به آن استعمال شده و واژه اسلام صرفاً در بعد عملی به کار رفته است، ولی باید توجه کرد که در مراتب عملی هدف تعلیم و تربیت، هریک از آن دو به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ زیرا ایمان و اعتقاد، مبنای اسلام و عمل است و تسلیم عملی بودن هم بر ایمان استوار است و به میزانی که شخص در تسلیم عملی پیشرفت می‌کند، درجات ایمان وی بالاتر می‌رود و به اندازه‌ای که مراتب بالاتر ایمان را کسب می‌کند، تسلیم عملی وی بیشتر می‌شود.

### اصول تربیتی از دیدگاه قابسی

۱. آموزش همگانی(دختران و پسران)



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education  
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

قابسی به آموزش همگانی معتقد است و می گوید: پسران و دختران، همه می توانند آموزش ببینند و نباید از آن محروم بمانند؛ زیرا دین همگانی است و حق هر کسی است که اعتقادات دینی داشته باشد و بر اساس آن عمل نماید. هیچ کس نباید از معرفت و شناخت دین حق و عمل بر اساس آن محروم بماند، بلکه باید با آموزش، زمینه‌ی آن برای همه - اعم از دختر و پسر - فراهم گردد، تا همگان بتوانند به هدف‌های عالی تربیتی در بعد ایمانی و عملی نایل شوند.

قابسی، آموزش قرآن و علم دین را برای دختران نیکو می‌شمارد و می‌گوید: در ایمان و تدین و تکلیف، بین مردان و زنان فرقی نیست، همه در اصل دین و تکلیف یکسانند.

وی در مورد جواز تعلیم زنان می‌گوید: زنان مجاز به شنیدن آیات خدا و حکمت از پیامبر(ص) بوده‌اند و خود آن حضرت مسئولیت آموزش آنان را به عهده داشته و هیچ منعی هم از وی در مورد آموزش زنان نرسیده است.

قابسی با همه‌ی تأکیدش بر جواز آموزش زنان، معتقد است که آنچه ممکن است آن‌ها را به فتنه اندازد و موجب فساد و تباهی آنان می‌شود، مانند برخی از اشعار عاشقانه جاهلی و... نباید به آن‌ها آموزش داده شود و بر این نکته دارد که محتوای مطالب آموزشی - چه برای پسران و چه دختران - باید سالم باشد، تا انحرافی در آنان پدید نیآورد.

## ۲. عدم تبعیض

معلم در آموزش دانش‌آموزان باید عدالت را رعایت کند. او نمی‌تواند به دلیل دریافت هدیه یا حقوق اضافی از برخی اولیاء، فرزندان آنها را مورد توجه بیشتر قرار دهد. البته آموزش بیشتر به برخی از دانش‌آموزان در خارج از ساعات درس مشترک، اگر باعث تضییع حقوق دیگران نباشد، مجاز است.

## ۳. تدریج در آموزش

معلم باید مراحل برای آموزش در نظر بگیرد و تا مرحله‌ای به پایان نرسیده، به مرحله بعدی نپردازد. در آموزش قرآن نیز تا دانش‌آموزان سوره ای را به خوبی نیاموخته اند، آموزش سوره دیگری را آغاز نکند.

## روشهای تربیتی از دیدگاه قابسی

از نظر قابسی معلم باید همه توان خود را به کار گیرد تا با اتخاذ روشهای تربیت صحیح، در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان موفق شود و آنان را به سوی اهداف آموزشی و پرورشی هدایت کند. روشهایی که قابسی به آنها توجه کرده و بر آنها تأکید ورزیده است، عبارتند از: ایجاد رابطه‌ی عاطفی، نظارت و مراقبت، و تشویق و تنبیه

## ۱. ایجاد رابطه عاطفی



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education  
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

معلم به عنوان پدری مهربان به تعلیم و تربیت کودک می پردازد و مسلم است که اگر معلم با او انس بگیرد و به او محبت کند و نسبت به او همانند پدری مهربان و دلسوز باشد، دانش آموز نیز او را دوست می دارد و بهتر و بیشتر از او بهره می گیرد.

قابسی تدبیر نیکو و شایسته‌ی معلم نسبت به دانش آموز را در این می بیند که با وی رابطه محبت آمیز و عاطفی برقرار کند و جز در موارد انجام کارهای خلاف عمدی، قیافه عبوسی به او نشان ندهد، بلکه در تدبیر امور آنان، همیشه با رفق و رحمت رفتار نماید.

قابسی به هیچ وجه مجاز نمی داند معلم به کارهایی دست بزند که بر این رابطه‌ی عاطفی ضربه بزند، مانند اینکه - به دلیل کار نادرستی - دانش آموز را از خوردن آب و غذا منع کند و یا بدون تذکر و آگاه ساختن وی، به دلیل جرم‌هایی که مرتکب شده تأدیبش نماید و یا به گونه‌ای به تنبیه بدنی و غیر اقدام کند، که دانش آموز تصور کند که وی نه برای تربیت او، بلکه برای تشقی نفس خویش، او را تنبیه می کند.

## ۲. نظارت و مراقبت

معلم باید در امر آموزش و پرورش دانش آموزان، به طور مستمر نظارت داشته باشد تا سعی و کوشش او در تعلیم و تربیت ثمربخش افتد. قابسی مراقبت و نظارت معلم بر دانش آموزان را در دو بُعد آموزش و تربیتی لازم می داند.

در بُعد آموزشی، نظارت معلم این است که در طول تدریس، میزان یادگیری دانش آموزان را نسبت به محتوای مواد آموزشی بسنجد و به آنها تکالیف لازم را بدهد و ملاحظه کند که تکالیف را به نحو احسن انجام دهند. معلم باید بر یادگیری مرحله به مرحله دانش آموزان نظارت کند و مراقب باشد تا آنان مهارت‌های لازم را به دست آورند؛ مثلاً بتوانند حروف را خوب بشناسند، قرآن را از روی مصحف و یا نوشته قرائت کنند، زیبا بنویسند یا بعضی از سوره‌ها را از حفظ بخوانند... ختم قرآن و امتحان از مواد درسی، بخش دیگری از نظارت و مراقبت معلم در بُعد آموزشی است.

قابسی بسیار از این مطلب سخن گفته که اجرت معلم به میزان آموزش و یادگیری بستگی دارد، و روشن است که این امر از طریق نظارت بر یادگیری دانش آموزان و امتحان و ارزیابی آنان تشخیص داده می شود.

در بعد تربیتی هم، قابسی دامنه‌ی نظارت و مراقبت معلم را بسیار گسترده می داند. او معتقد است که حفظ و حراست از سلامت دانش آموزان در مکتب خانه و تربیت دینی آنان، به عهده‌ی معلم است. او باید آنان را از آزار و اذیت یکدیگر باز دارد و نگذارد فسادهای اخلاقی به بار آورند و دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. نیز آن‌ها را از کارهای خلاف شرع منع کند و زشتی و نادرستی و آثار نامطلوب آن را برایشان تشریح نماید و اگر کسانی مرتکب خلاف شدند، باید روشی را پیش گیرد که عمل خلاف را ترک کنند و از تکرار آن جلوگیری کند تا به آن عادت نکنند و در صورت لزوم، به تنبیه بدنی اقدام ورزد.



همچنین معلم باید برانجام تکالیف شرعی و آداب و رسوم دینی دانش‌آموزان نظارت داشته باشد، تا آنان را به موقع و درست بخوانند، بدون وضو قرآن را مس نکنند و احترام قرآن را مراعات کنند.

### ۳. تشویق و تنبیه

یکی دیگر از روش‌های تربیتی که به نظر قابسی، معلم باید آن را در تعلیم و تربیت، به ویژه اصلاح رفتار به کار گیرد، روش تنبیه و تشویق است.

وی معتقد است که دانش‌آموزان، معمولاً در مکتب خانه‌ها مطابق با برنامه‌ی تنظیم شده از سوی معلم، درس می‌خوانند، تکالیف محوله را انجام می‌دهند و نیکو رفتار می‌کنند و از کارهای زشت و خلاف پرهیز می‌نمایند.

این شیوه‌ی طبیعی اکثر دانش‌آموزان است و روشن است که رفتار معلم با چنین دانش‌آموزانی، جز احسان، تشویق و گشاده‌رویی و دوستی نباید باشد؛ و چون این شیوه در عصر قابسی معمول بوده، وی تنها در یک مورد از کتاب خود به تشویق اشاره کرده و بیشتر به تنبیه و تنبیه پرداخته‌است، تا آن عده از دانش‌آموزانی که خوب درس نمی‌خوانند و درانجام تکالیف کوتاهی می‌کنند و یا به کارهای خلاف شرع و خلاف اخلاق روی می‌آورند، اصلاح شوند و در یادگیری کوشش کنند و به صورت صحیح و شایسته تربیت شوند. وی برای تحقق این هدف می‌گوید:

اولاً باید به دانش‌آموز و یا متربی خطاکار، نسبت به انجام ندادن تکلیف هشدار داده و وی را به نقص کار یا خطا و اشتباه و زشتی رفتارش، متوجه ساخت و آگاهی‌های لازم را به وی داد، تا به وظیفه خود و پسندیدگی عمل به آن و نیز عواقب و آثار کارهای خلاف، دقیقاً آگاهی پیدا کند و رفتار نیک را از بد، و عمل شرعی و اخلاقی را از غیر آن باز شناسد. این تنبیه باید تکرار شود، و این اولین مرحله برخورد معلم با دانش‌آموز خطاکار است.

ثانیاً، در صورت تغافل و استمرار خطا، باید چهره عبوس کند و وی را با صدای بلند و بدون اینکه فحش و ناسزایی به دانش‌آموز بگوید، او را مورد سرزنش قرار دهد. معلم حق ندارد واژه‌هایی نامناسب به کار برد و به فرزندان مؤمنان جسارت کند و در صورتی که چنین کند، باید استغفار کند.

ثالثاً، در صورت ادامه رفتار ناشایست، معلم باید دانش‌آموز را به کیفر و تنبیه بدنی تهدید کند و در آخرین مرحله، اگر از خطا دست بردار نبود، به میزان جرم و خطایش، از یک تا سه ضربه او را تنبیه بدنی کند. تازیانه‌ای که معلم در تأدیب به کار می‌گیرد، باید درآورد باشد، ولی نه آنقدر که تأثیر نامطلوبی در بدن دانش‌آموز بگذارد و یا او را به ضعف بیندازد. همچنین نباید ضربه بر سر یا صورت نواخته شود، زیرا سلامتی کودک به خطر می‌افتد.

معلم باید تأدیب را آشکارا و در حضور دانش‌آموزان دیگر انجام دهد تا برای دیگران نیز درس عبرت باشد؛ و نیز برعهده‌ی خود اوست که به تنبیه بدنی دانش‌آموز خطاکار اقدام کند و آن را به دیگر دانش‌آموزان واگذار ننماید، زیرا باعث پیدایش نزاع و کینه در بین آنان می‌شود.

### پیشینه‌ی پژوهش

نوروزی و بختیار نصرآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان درآمدی بر آرای ابن سینا و جاحظ در باب اصول تربیت به این نتیجه دست یافته‌اند که اصول تربیتی استنباط شده از اندیشه‌های ابن سینا و جاحظ، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. از جمله این شباهت‌ها، می‌توان به مواردی همچون اصل توجه به تفاوت‌های فردی، توصیه به عقل‌گرایی، تغییرپذیری صفات، اعتدال در یادگیری، یادگیری مشارکتی، ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری، تنظیم برنامه با توجه به مراحل رشد انسان و توجه به علاقه فراگیران در کسب علوم اشاره کرد. همچنین، تفاوت‌ها به این قرار است که ابن سینا به اصل خودشناسی و خودسازی، تربیت شغلی، توجه به صلاحیت و تخصص معلم و اصل توجه به امکانات در فرایند عمل تربیتی توجه اساسی داشته، اما جاحظ به آن توجه نکرده و از آن غافل مانده است.

فقیهی (۱۳۷۶) در پژوهشی تحت عنوان آرای تربیتی قابسی متفکر تربیتی اسلام در قرن چهارم هجری نتیجه گرفته است که از نظر قابسی:

-تحصیل حق همه‌ی افراد، اعم از دختر و پسر، است و هیچ‌کس حق ندارد فردی را از آن محروم سازد.

-در یادگیری، عوامل محیطی و اجتماعی از عوامل وراثتی مؤثرتر است.

-هدف تعلیم و تربیت، کاملاً جنبه‌ی دینی دارد و در دو بُعد اعتقادی و عملی تبیین می‌شود.

-معلم باید همه‌ی توان خود را به کار گیرد تا دانش‌آموزان به اهداف موردنظر برسند و برای تحقق این منظور، روش‌های ایجاد رابطه‌ی عاطفی و انس، نظارت و مراقبت و تشویق و تنبیه بیشتر مورد تأکید است.

### هدف پژوهش



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

بررسی تطبیقی آرای تربیتی جاحظ و قابسی

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیلی - استنباطی انجام شده و با استفاده از منابع موجود و در دسترس به تحلیل و استنباط آرای تربیتی جاحظ و قابسی پرداخته‌است.

## شباهت‌های آرای تربیتی جاحظ و قابسی

جاحظ و قابسی هر دو به اصول و مبانی دین در تربیت توجه کرده‌اند. و هر دو به اهمیت و روش‌های تشویق و تنبیه توجه داشته‌اند.

## تفاوت‌های آرای تربیتی جاحظ و قابسی

جاحظ به عوامل محیطی، موقعیت صنفی و دوست و همنشین، کشف استعداد و علاقه، آموزش عمومی و اختصاصی توجه داشته، اما تربیت از دیدگاه قابسی کاملاً دینی است و به آموزش همگانی، اصل تدریج در یادگیری، عدم تبعیض، رابطه‌ی عاطفی معلم با متعلم توجه داشته است.

## نتیجه‌گیری

از دیدگاه جاحظ قواعدی که بر فطرت انسانی استوار است، با مبانی دینی تناقض ندارد. اساساً سنن و اصول حاکم بر دنیا، با مبانی و اصولی که دین بر آن پایه‌گذاری شده تعارض ندارد. جاحظ به عوامل محیطی، موقعیت صنفی و دوست و همنشین، کشف استعداد و علاقه، آموزش عمومی و اختصاصی توجه داشته است. از دیدگاه قابسی، هدف تعلیم و تربیت کاملاً دینی است. وی شناخت دین و عمل براساس آن را مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت می‌داند و درحقیقت آن را هدف نهایی تعلیم و تربیت می‌شناسد و وظیفه‌ی معلم و اولیای دانش‌آموزان را تلاش در تحقق آن معرفی می‌کند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که اصول تربیتی استنباط شده از اندیشه‌های جاحظ و قابسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. از جمله این شباهت‌ها، می‌توان به مواردی همچون اصول و مبانی دین در تربیت و روش تنبیه و تشویق اشاره کرد. همچنین، تفاوت‌ها به این قرار است که جاحظ به عوامل محیطی، موقعیت صنفی و دوست و همنشین، کشف استعداد و علاقه، آموزش عمومی و اختصاصی توجه داشته، اما تربیت از دیدگاه قابسی کاملاً دینی است و به آموزش همگانی، اصل تدریج در یادگیری، عدم تبعیض، رابطه‌ی عاطفی معلم با متعلم توجه داشته‌است.

## منابع



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education  
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran



دانشگاه لرستان

۱. اعرافی علیرضا؛ همکاران محمد فتحعلی خانی؛ علیرضا فصیحی زاده؛ علی نقی فقیهی؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، ۱۳۷۷.
۲. شریعتمداری، علی (۱۳۶۷)، اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر
۳. فقیهی، علی نقی، آرای تربیتی قابسی متفکر تربیتی اسلام در قرن چهارم هجری مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی « تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) » زمستان ۱۳۷۶ - شماره ۵۲ «
۴. کاردان علی محمد، سیر آرای تربیتی در غرب، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی ۱۳۸۱.
۵. نوروزی رضاعلی، حسنعلی بختیار نصرآبادی، کمال نصرتی هشی، محمد شاهی درآمدی بر آرای ابن سینا و جاحظ در باب اصول تربیت مجله معرفت سال بیست و دوم - شماره ۱۹۱ - آبان ۱۳۹۲، ۹۱-۱۰۳
۶. هوارداوزمن، و سموئل کراور، مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه‌ی گروه علوم تربیتی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ۱۳۸۷